

چرا دانش مخاطرات؟ (تبیین حقوق و مخاطرات)

علیرضا رجبزاده ، drrajabzadeh@yahoo.com

استادیار دانشگاه کار

سخن عضو هیأت تحریریه

مقدمه

قلم زدن به عنوان اولین دکترین و اظهار نظر حقوقی در زمینه دانش نخواستۀ مخاطرات کاری است دشوار. صعوبت کار با توجه به هراس غریزی حقوقدانان از اظهار نظرهای فی‌البداهه و محافظه‌کاری و نکته‌سنجی‌های حرفه‌ای دوچندان می‌شود.

بنا به حکم خیر الکلام ما قل و دل ، به ایجاز نکاتی چند از دیدگاه حقوقی در خصوص این دانش نوبنیان در معرض قضاوت حقوقدانان و پژوهشگران جوان، به‌ویژه دانشجویان دکتری حقوق قرار می‌دهم و منتظر کمک و همکاری برای اعتلای دانش حقوقی مخاطرات به همت استادان محترم می‌مانم. در ابتدای سخن سؤالاتی چند به ذهن متبادر می‌شود؛ از جمله اینکه سابقه و پیشینه دانش مخاطرات از دیدگاه و منظر حقوقی در جهان از چه زمانی است؟ دیگر ملل چه قوانین و مقرراتی در این زمینه فراهم آورده‌اند؟ آیا حقوقدانان ایران با مفهوم این دانش آشنایی دارند؟ مبانی این دانش در متون اسلامی چیست؟ آیا در قوانین مدون ایران، مقرراتی در زمینه دانش مخاطرات یا مرتبط با آن وجود دارد؟ دانش مخاطرات کدام حوزه و زمینه مطالعاتی و پژوهشی را در علم حقوق ایجاد خواهد کرد؟ جامعه کنونی ایران چه نیازی به تدوین قوانین و مقررات حقوقی با زمینه مخاطره‌شناسی دارد؟ آیا قوانین و مقررات مبتنی بر آن می‌تواند به سلامت بیشتر جامعه ما و دیگر جوامع کمک کند؟

ماهیت ، محدوده و قلمرو دانش مخاطرات بسیط است. تعریف جامعی از دانش مخاطرات عبارت است از: شناخت واقعۀ پدیده، فرایند، حالت، وضعیت، تفکر و جهان بینی که ممکن است برای فرد ، جمعیت ، جامعه و محیط زیان جدی جانی و و معنوی و جسمی داشته باشد [۱].

این معنا و مفهوم از مخاطرات در علم حقوق چندان شناخته نیست. هم در حقوق سنتی و هم در قوانین و مقرراتی که ترجمۀ قوانین اروپایی است، این مفهوم کاربرد داشته و دارای اثر و بار حقوقی است، ولی کمتر به آن پرداخته شده است. چرا؟ پاسخ را باید به کم‌کاری حقوقدانان نسبت داد. آنچه نظر این‌جانب را در برخورد اولیه با این اصطلاح و کارکرد آن و تحقیقات

ضروری حقوقی به خود جلب کرد، نیاز به همت و تلاش و نوآوری بیشتر حقوقدانان ایران در این خصوص است؛ تا قادر باشند پایه‌پای پژوهشگران دیگر رشته‌ها و به‌خصوص جغرافیدانان، و به‌طور اخص مخاطره‌شناسان، پاسخگوی نیازهای حقوقی جامعه باشند؛ چرا که ابزار و مقررات قدیم پاسخگوی نیازهای روزافزون جدید نخواهد بود.

قدر متیقن از قلمرو مخاطرات حوادث طبیعی و غیرطبیعی است. حوادث طبیعی شامل سیل و زلزله و توفان و مانند آن تحت عنوان حقوقی قوه قاهره یا قوه قهریه است. ترجمه اصطلاح فرانسه آن "فورس ماژور" در حقوق مدنی و حقوق بین‌الملل عمومی مورد مطالعه و توجه قرار گرفته و در قراردادهای داخلی و بین‌المللی منشأ آثار فراوان در چگونگی انجام تعهدات طرفین است.

در حقوق فرانسه فورس ماژور (Force majeure) دارای دو معنای عام و خاص است. فورس ماژور در معنای عام عبارت است از هر حادثه خارجی (خارج از حیطة قدرت متعهد) غیرقابل پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیر که مانع اجرای تعهد باشد. فورس ماژور بدین معنا شامل عمل شخص ثالث و عمل متعهدله که واجد دو صفت مذکور باشند نیز خواهد بود.

اما فورس ماژور به معنای خاص حادثه‌ای است بی‌نام (یعنی غیرمنتسب به شخص معین و صرفاً ناشی از نیروهای طبیعی) غیرقابل پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیر [۲].

در حقوق عرفی (کامن لو) مثل کشورهای انگلیس و آمریکا، به‌طور معمول اصطلاح فورس ماژور به‌کار نمی‌رود و اصطلاحات دیگری معمول است که از نظر حقوقی و نظری با فورس ماژور متفاوت است.

مخاطرات در معنای غیرطبیعی آثار متفاوت دیگری را در علم حقوق در بر دارد. می‌توان گفت مخاطرات غیرطبیعی عملکرد سوء و نامناسب اشخاص یا جامعه یا حکومت است، به‌گونه‌ای که منشأ ضرر زیان مادی و معنوی را برای دیگران شود. این دسته از اعمال منجر به ضرر و زیان مادی و معنوی و جسمی به دیگران در دو حیطة کاری و مطالعاتی مدنظر حقوقدانان است: یکی از جهت کیفیت و کمیت و نحوه و امکان جبران ضرر زیان وارده به اموال و تمامیت جسمی شخص زیان‌دیده و دیگری از دیدگاه کیفرشناسی و جرم و مجازات زیان‌رساننده. با توجه به مراتب فوق دو شاخه علم حقوق یکی قوانین مربوط به غصب و اتلاف و تسبیب و دیگری مقررات مسئولیت مدنی به‌منظور جبران خسارات و قوانین و مقررات جزایی با هدف مجازات متخلف و مجرم در این خصوص تدوین شده است که به حل و فصل موضوع می‌پردازد.

در حقوق سنتی ما قوانین و مقررات مدونی در خصوص ضرر و زیان ناشی از غصب و اتلاف عمدی و غیرعمدی و نیز زیان ناشی از تسبیب موجود است که تحت عنوان ضمان قهری مطالعه می‌شود. قانون مدنی ایران مواد ۳۰۸ تا ۳۳۵ را به مباحث غصب و اتلاف و تسبیب اختصاص داده است [۳].

مثلاً در ماده ۳۲۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد. و یا وفق ماده ۳۳۲ قانون مدنی: هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است، نه مسبب؛ مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.

در خصوص نحوه جبران خسارت در تصادمات وسایط نقلیه دریایی یا زمینی نیز ضوابطی را مقرر داشته است:

علاوه بر این در مقررات جدید و عموماً ترجمه شده و وارداتی مانند قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ یا قانون تجارت، مسئولیت جبران خسارت را گسترش داده و در برخی موارد مسئولیت جبران خسارت بدون تقصیر مثل مسئولیت متصدی حمل و نقل را پذیرفته است.

نکته جالب توجه اینکه مبنای یکی از نظریه‌های جبران خسارت (نظریه خطر) است که به مفهوم مخاطره، نزدیک است. طبق این نظریه تقصیر در زمره ارکان مسئولیت نیست و همین که شخص زبانی به بار آورد باید جبران کند، خواه کاری که سبب ایجاد ضرر و زیان شده، درست باشد یا نادرست.

قوانین و مقررات جزایی در خیلی از موارد به خصوص به موارد ضرر و زیان عمدی، جنبه جزایی داده و جرم‌انگاری کرده است. لذا زیان‌رساننده علاوه بر تکلیف به جبران خسارت مادی و معنوی زیان‌دیده و مجنی‌علیه طبق قانون مجازات نیز به مجازات مقرر خواهد رسید.

در قانون مجازات اسلامی در مواد مختلف از جمله مواد ۵۰۰ و ۵۱۴ در خصوص ضمان خسارت در نتیجه علل قهری مانند سیل و زلزله و ماده ۵۰۲ در مورد صدمات ناشی از پرت شدن افراد در اثر علل قهری مانند توفان و زلزله و نیز مواد ۵۰۴ و ۵۰۵ راجع به خسارت ناشی از واژگونی اتومبیل و عدم رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی و مواد ۵۰۷ تا ۵۰۹ در مورد خطرات و ضرر و زیان ناشی از حفاری در معابر عمومی و املاک و نیز مواد مشابه دیگری در مورد جبران خسارت ناشی از جرم تدوین شده است [۴]، اما کافی نیست.

مخاطرات در معنا و مفهوم حوادث قهری و نیز غیرقهری در بسیاری از قوانین دیگر دارای بار حقوقی است. مثلاً در مقررات صنعت بیمه بر روی احتمال وقوع حادثه یا عدم وقوع آن

سرمایه‌گذاری شده و نرخ بیمه به موجب آن تعیین می‌شود؛ یا حوادث و صدمات ناشی از کار و مسئولیت کارفرما در حقوق کار، که در قانون کار بدان پرداخته شده است؛ تخریب و صدمات وارده به عین مورد اجاره و تعیین تکلیف موجر و مستأجر پس از تخریب، در قانون موجر و مستأجر؛ غایب و مفقودالاثر شدن زوج در اثر حوادث قهری و مسافرت دریایی و چگونگی طلاق زوجة فرد مفقودالاثر؛ اعتیاد و حبس و بیکاری زوج یا نشوز و نافرمانی زوجه در حقوق خانواده؛ ضرب و جرح و اعمال خشونت علیه کودک توسط والدین یا مربیان و مانند آن در حقوق کودک. وظایف و مسئولیت دولت و حکومت در قبال ضرر و زیان ناشی از حوادث قهری طبیعی و نیز وظایف دولت در جلوگیری و پیشگیری یا حداقل اطلاع از وقوع این حوادث در حیطه مقررات حقوق عمومی (Common law) مورد بحث قرار می‌گیرد. در حقوق اداری اینکه کارمند در اثر حوادث ناشی از کار یا در حین انجام وظیفه فوت کرده باشد منشأ اثر حقوقی است. در این مقال فرصت و مجال گفت‌وگو در مورد کلیه آثار حقوقی مخاطرات فراهم نیست؛ لب کلام اینکه شایسته است جامعه حقوقدانان خود را برای پرورش نهال نوپای دانش مخاطرات مهیا کنند.

منابع

- [۱]. مقیمی ابراهیم. دانش مخاطرات، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.
- [۲]. صفایی، سید حسین، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، ص ۳۹۵.
- [۳]. مواد ۳۰ تا ۳۳۵ قانون مدنی مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ هجری شمسی
- [۴]. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲